



تاریخ شفاهی  
جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی  
زنان انقلاب

# مادران بزرگ

خاطرات شفاهی عصمت احمدیان

مادر شهیدان اسماعیل و ابراهیم فرجوانی

تحقیق: سید محمد آل عمران، نرگس اسکندری  
تدوین: نورالهدی ماه پری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

bookroom.ir

خاطرات شفاہ  
عصمت احمدیان

مادرِ ایران  
مادرِ ایران

مادرِ ایران  
مادرِ ایران

مادرِ ایران

خاطرات شفاہ عصمت احمدیان  
مادرِ شہیدان اسماعیل و ابراہیم فرجوانے

تحقیق: سید محمد آل عمران، نوگس اسکندری

تدوین: نورالہدیٰ ماہ پری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ایمان به عصمت اجدیان  
دی دارم پیر از درد پیر از نم  
اگر دستش ز نم می باشد از م  
شما خواننده گان عزیز صوری  
بفرمائید هر چه در این  
کتاب است از گفته های  
و قصه های ایمان است  
تمام کمال با تقدیم احترام

عصمت اجدیان  
۹۹۱۷۱

### فهرست

- پیشگفتار ناشر..... ۶
- فصل اول: پیلۀ لِنجون  
مؤمنی از دورترین جای شهر (از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۸)..... ۹
- فصل دوم: پروانه در شرحی  
به پا خیزید (از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۸)..... ۴۵
- فصل سوم: برشته پر  
جبهه مادر می خواهد (از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۸)..... ۱۴۷
- فصل چهارم: بی بال پریدن  
بانوی کارآفرین (از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸)..... ۲۳۷
- فصل آخر: ضمانت  
مؤخره..... ۲۷۱  
اسناد و تصاویر..... ۲۷۹

## پیشگفتار ناشر

تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی عمیقاً به «روایت زنان» این انقلاب و طبعاً به خود انقلاب بدهکار است. زنان شهید انقلاب و دفاع مقدس، زنان مبارز پیش از انقلاب، همسران مبارزان انقلاب، همسران رزمندگان و شهدا و آزادگان و جانبازان، مربیان پرورشی، معلمان و مبلغان فرهنگی، جهادگران، دانشمندان، پژوهشگران، کارآفرینان و... هنوز به راستی روایت نشده‌اند؛ زنانی که محور خانواده بوده‌اند و حضور آن‌ها در عرصه‌های گوناگون، مساوی با همراهی و حضور اعضای خانواده در انقلاب بوده است. آن‌ها در سکوت، تمام بار تربیت نیروهای انقلاب را به دوش کشیده‌اند و باز هم در سکوت، روایت تلاش و مجاهدت زنانه و مادرانه خود را در حاشیه موفقیت مردان انقلابی‌شان دیده‌اند.

جایگاه زنان در میانه و گوشه‌گوشه رویدادهای سازنده و مقوم انقلاب اسلامی و همچنین در خلق مفاهیم و ساختارها و نهادها و نیز تثبیت ارزش‌ها و تداوم کنش‌های انقلابی انکارناپذیر است؛ اما در جریان تاریخ‌نگاری رویدادمحور و شهرت‌زده و کلیشه‌ای، غالباً به سفیدی بین سطور و گاهی هم به تک روزه‌هایی سپرده شده است که مردان انقلاب در روایت‌های خود، به دنیای زنان انقلاب و پشتیبانی انقلاب باز کرده‌اند.

حضور کم‌تعداد زنان در جمع شخصیت‌های سیاسی که بیشتر آثار تولیدشده در حوزه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی را به خود اختصاص داده‌اند نیز مزید بر علت شده است تا حافظه تاریخی ایرانیان از روایت حماسه‌های مداوم و پرتکرار و البته بی‌صدای

زنان جامعه، در مقایسه با سهم مردان، تقریباً خالی بماند و نهایتاً در کلیشه‌ها خلاصه شود. در حالی که اگر آنچه از «الگوی سوم زن» در انقلاب محقق شده است، به خوبی روایت شود، نه تنها روایت تاریخی ما از رویدادها کامل می‌شود، بلکه می‌توانیم برای برخی مسائل زن امروز، مثل تعارض نقش‌ها، با مراجعه به تجربه زیسته «زن تراز انقلاب» پاسخ‌هایی بیابیم.

زن تراز انقلاب اسلامی می‌تواند زنی باشد در دل روستایی که با چند بچه قدونیم‌قد، کنار تنور، برای جبهه‌ها نان می‌پزد. می‌تواند زنی باشد که به خواست خدا فرزندی ندارد؛ اما عرصه تکلیف را رها نمی‌کند و با راه‌اندازی مکتب یا مدرسه‌ای، کمر به تربیت فرزندان جامعه پیرامونش می‌بندد. می‌تواند دختر مجردی باشد که دست روزگار سرنوشتش را به گونه‌ای رقم زده است که در کنار پدر و مادر یا خواهر و برادر یا حتی عمو یا عمه‌اش زندگی می‌کند؛ اما بلا تکلیف و یله، روزگار نمی‌گذراند و برحسب توانش کارهای بر زمین مانده را به دوش می‌کشد. می‌تواند زنی باشد که در کنار همسرداری و تربیت فرزندان، خودش و جامعه‌اش را هم به خاطر دارد و... تاریخ انقلاب ما پر است از این زنان، چراغی باید تا آن‌ها را در اطرافمان ببینیم.

خلاً خسارت بار این روایت را جریان‌های غرب زده و فمینیستی، به خوبی پر می‌کنند و در فقدان روایت زنان به معنای واقعی کلمه «تاریخ‌ساز» انقلاب اسلامی، به ترویج الگوهای غیرومی، بیگانه با سنت و آیین و فرهنگ و نیز مستحیل در یوتوپیای غربی مشغول‌اند.

تلاش برای پرکردن این ظرفیت خالی، هم ادای دین به حافظه ملی ایرانیان است برای درک بهتر تاریخ مردمی انقلاب و هم کمک به ترسیم چهره زن انقلابی مسلمان. آنگاه و پس از چند سال، تکثر روایت‌های زنان از رشد و بالندگی آرام و مستمر انقلاب و رویش‌هایش، به تدریج اطلاعاتی متقن و فضایی امن در اختیار اهالی علوم انسانی و مطالعات زنان قرار می‌دهد تا جایگاه و نقش زن در اندیشه اسلامی را مبتنی بر تجربه‌های پرتکرار نسلی انقلابی تحلیل و ترسیم کنند. همچنین، به هنرمندان سینما و غیر سینما و صاحبان رسانه کمک می‌کند تا اگر قصد انصاف دارند، چهره واقعی زن امروز و دیروز و نیز چهره آرمانی زن فردا را چنین بلند و ایستاده ترسیم کنند.

ترسیم این جایگاه به خودی خود اهمیت ویژه‌ای دارد؛ اما هم‌زمان، به مقایسه تعریف زن تراز در دوره پیش و پس از انقلاب هم کمک می‌کند و یاریگر دختران و

زنان جوان در مقایسه زن تراز اسلام و انقلاب اسلامی با زن تراز تمدن غرب است.

\*\*\*

واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، برای شناسایی و بازنمایی الگوهای مردمی و متکثر از تجربه زیسته زنان در انقلاب، تلاشی را آغاز کرده است. بدیهی است هرآنچه انجام شده و در دست انجام است، در مقایسه با انبوه حماسه‌ها و مجاهدت‌های غرورآفرین و تحسین برانگیز زنان و مادران در پیشبرد انقلاب اسلامی پرکاهی بیش نیست.

از طرفی برای تمرکززدایی از ثبت تاریخ شفاهی در کلان‌شهرها و عدالت در روایت از نهضت انقلاب، مجموعه گروه‌های تاریخ شفاهی از طرف دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در شهرهای مختلف حمایت و راه‌اندازی شدند. کتاب پیش‌رو از مجموعه تلاش‌ها و اقدامات دفتر تاریخ شفاهی اهواز است که از سال ۱۳۹۶ با حمایت و آموزش دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی راه‌اندازی شده است. امید است به یاری خدا تلاش‌ها در این حوزه، به ثبت و تثبیت بخشی از تجربه انقلاب اسلامی بینجامد.

واحد تاریخ شفاهی  
دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی



مجلس شورای اسلامی

ایست! از جاتون تکون نخورین.  
صدای مرد، ترس غریبی به جانم ریخت. رو کردم به بی بی زهرا و  
وحشت زده گفتم:  
- وای بی بی! حالا چه خاکی به سر کنیم؟  
- هیچی. مگه گناهمون چیه؟ اصلاً این ها کین؟  
- بی بی من می ترسم.  
- هیچ نترس. ما کار در راه خدا می کنیم. ترس نداریم.  
مرد با صدای بلندتری گفت:  
- دست ها بالا. برنگردین. هرچی دارین بذارین رو زمین.  
دست های خالی مان را گرفتیم بالا. آمدند نزدیک تر. پنج شش نفر  
بودند. یکی شان پرسید:  
- بچه خاک می کنید؟  
همان طور که پشتم به آنها بود گفتم:  
- بیا ببین. این پا رو خاک می کنیم. یه تیکه گوشت آدم.



تاریخ شفاهی

جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

زنان انقلاب



عدالتیاریار

